

سخن سردبیر

عباس منوریان 

استاد، گروه خط‌مشی‌گذاری و اداره امور عمومی، دانشکده مدیریت دولتی و علوم سازمانی، دانشکدگان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: amonavar@ut.ac.ir

مدیریت و توسعه اجتماعی در عصر پیچیدگی‌های نوین حکمرانی

تحولات شتابان فناوری، تغییرات ساختاری در اقتصاد جهانی، گسترش شبکه‌های ارتباطی، افزایش انتظارات شهروندان و ظهور مسائل پیچیده اجتماعی، عرصه مدیریت و حکمرانی را با چالش‌ها و فرصت‌های تازه‌ای مواجه ساخته است. در چنین شرایطی، توسعه اجتماعی دیگر صرفاً به معنای رشد شاخص‌های اقتصادی یا گسترش خدمات عمومی نیست، بلکه فرآیندی چندبعدی است که بر ارتقای کیفیت زندگی، افزایش سرمایه اجتماعی، تقویت مشارکت شهروندان، عدالت اجتماعی، پایداری محیط‌زیستی و توانمندسازی نهادهای حکمرانی استوار است.

امروزه بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که موفقیت جوامع در مواجهه با مسائل پیچیده قرن بیست‌ویکم، بیش از هر زمان دیگری به کیفیت نظام‌های مدیریتی و ظرفیت حکمرانی آنها وابسته است. تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که توسعه پایدار زمانی تحقق می‌یابد که میان دولت، بخش خصوصی، نهادهای مدنی، دانشگاه‌ها و شهروندان تعامل سازنده و مبتنی بر اعتماد شکل گیرد. در چنین بستری، مدیریت نه صرفاً به عنوان مجموعه‌ای از فنون اداری، بلکه به مثابه فرآیندی اجتماعی و راهبردی در هدایت منابع، ظرفیت‌ها و ذی‌نفعان جامعه ایفای نقش می‌کند. در دهه‌های اخیر، مفهوم حکمرانی از جایگاه ویژه‌ای در ادبیات مدیریت و سیاست‌گذاری عمومی برخوردار شده است. حکمرانی مطلوب بر اصولی همچون پاسخگویی، شفافیت، مشارکت، قانون‌مداری، اثربخشی، عدالت و مسئولیت‌پذیری استوار است. در واقع، کیفیت حکمرانی تعیین‌کننده میزان موفقیت سیاست‌های عمومی و برنامه‌های توسعه‌ای است.

استناد: منوریان، عباس (۱۴۰۴). مدیریت و توسعه اجتماعی در عصر پیچیدگی‌های نوین حکمرانی. مدیریت و توسعه اجتماعی، ۱(۲)، ۳-۱.

DOI: <http://doi.org/><https://www.journalmsd.ir>

ISSN-L: 3116-1774

ناشر: دانشگاه اسوه معاصر

© «حق نشر (کپی رایت) و کلیه حقوق انتشار برای نویسندگان محفوظ است.»



از این منظر، توسعه اجتماعی بدون ارتقای ظرفیت‌های حکمرانی و اصلاح سازوکارهای تصمیم‌گیری عمومی امکان‌پذیر نخواهد بود.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های عصر حاضر، افزایش پیچیدگی مسائل عمومی است. چالش‌هایی نظیر نابرابری‌های اجتماعی، تغییرات اقلیمی، بحران‌های زیست‌محیطی، مهاجرت، سالمندی جمعیت، تحولات بازار کار، شکاف دیجیتال و پیامدهای گسترش هوش مصنوعی، مسائلی هستند که با رویکردهای سنتی مدیریتی قابل حل نیستند. این مسائل نیازمند نگرش‌های بین‌رشته‌ای، تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و مشارکت فعال ذی‌نفعان مختلف هستند.

در این میان، تحول دیجیتال به عنوان یکی از مهم‌ترین پیشران‌های تغییر در نظام‌های مدیریتی و اجتماعی شناخته می‌شود. فناوری‌های نوظهور همچون هوش مصنوعی، کلان‌داده‌ها، اینترنت اشیا و سامانه‌های هوشمند، فرصت‌های بی‌سابقه‌ای را برای ارتقای کارآمدی سازمان‌ها و بهبود کیفیت خدمات عمومی فراهم کرده‌اند. با این حال، بهره‌برداری اثربخش از این ظرفیت‌ها مستلزم توجه هم‌زمان به ابعاد انسانی، اخلاقی و اجتماعی توسعه فناوری است. توسعه‌ای که صرفاً بر فناوری متمرکز باشد، بدون توجه به کرامت انسانی، عدالت اجتماعی و منافع عمومی، نمی‌تواند به توسعه پایدار منجر شود.

از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین دارایی‌های نامشهود جوامع، نقشی تعیین‌کننده در موفقیت سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای دارد. اعتماد عمومی، مشارکت مدنی، همکاری‌های اجتماعی و انسجام نهادی، زمینه‌ساز افزایش اثربخشی تصمیمات عمومی و تقویت تاب‌آوری اجتماعی هستند. جوامعی که از سطح بالاتری از سرمایه اجتماعی برخوردارند، در مواجهه با بحران‌ها و تغییرات محیطی، عملکرد موفق‌تری از خود نشان می‌دهند.

دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی نیز در این میان مسئولیتی خطیر بر عهده دارند. تولید دانش معتبر، ارائه راه‌حل‌های کاربردی برای مسائل جامعه، نقد و ارزیابی سیاست‌های عمومی و تربیت نیروی انسانی متخصص از مهم‌ترین کارکردهای نهاد علم در مسیر توسعه اجتماعی است. مجلات علمی به عنوان حلقه واسط میان پژوهشگران، مدیران و سیاست‌گذاران، می‌توانند نقش مؤثری در انتقال دانش، ترویج اندیشه‌های نو و توسعه گفتمان‌های علمی ایفا کنند.

فصلنامه «مدیریت و توسعه اجتماعی» با چنین رویکردی تلاش می‌کند بستری علمی برای انتشار پژوهش‌های اصیل، مسئله‌محور و کاربردی فراهم آورد. مقالات این شماره، هر یک از منظر تخصصی به بررسی ابعاد مختلف مدیریت، حکمرانی، سیاست‌گذاری عمومی، توسعه اجتماعی، سرمایه انسانی، تحول دیجیتال، مشارکت اجتماعی و سایر موضوعات مرتبط پرداخته‌اند. امید

است یافته‌های ارائه شده بتواند علاوه بر غنای ادبیات علمی، در بهبود فرآیندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کشور نیز مؤثر واقع شود.

بی‌تردید آینده توسعه کشورها در گرو توانایی آنان در ایجاد پیوند میان دانش، سیاست و عمل است. در جهانی که تغییرات با سرعتی بی‌سابقه رخ می‌دهد، سازمان‌ها و جوامع نیازمند یادگیری مستمر، نوآوری، انعطاف‌پذیری و نگاه آینده‌نگر هستند. از این رو، توسعه اجتماعی را باید پروژه‌ای جمعی دانست که تحقق آن مستلزم همکاری همه بازیگران عرصه عمومی است.

در پایان، ضمن قدردانی از نویسندگان، داوران، اعضای هیئت تحریریه و تمامی دست‌اندرکاران فصلنامه، امیدواریم انتشار این شماره بتواند گامی هرچند کوچک در جهت گسترش مرزهای دانش، ارتقای کیفیت حکمرانی و تحقق توسعه اجتماعی پایدار در کشور باشد. همچنین از پژوهشگران، استادان و صاحب‌نظران دعوت می‌شود با ارائه آثار علمی ارزشمند خود، ما را در استمرار این مسیر علمی و حرفه‌ای یاری رسانند.

